
در دانشگاه
کربلا
مصطفی محسنی

بسم الله الرحمن الرحیم

در دانشگاه کربلا

نویسنده:

مصطفی محسنی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در دانشگاه کربلا

مشخصات کتاب

نویسنده: مصطفی محسنی

ناشر : مصطفی محسنی

چکیده

سر چه قابل باشـدار گردد فدا در راه یار باید از جان بگذرد هر کس کند یار اختیارآتش عشق آمد زد بر همه عالم شـرر نغمه هیهات شد بر عاشـقان آندم شـعارلوح دل را نیست جای نقطه ای از غیر دوست سِرّ این مطلب بدشت کربلا شد آشکارعهد و پیمان بین که سـقا شد مسـلط بر فرات با لبان تشـنه سوی تشـنگان شد رهسـپارزور بازوی علی عباس شیر صف شکن داشت ار اذن از حسـین می کرد دشـمن را قطارترس شـد غالب به قلب غالب بن سـعدیان تا به مرکب شـد شبیه روی پیغمبر سواروه چه زیبـا بود قـاسم نو نهـال مجتبی تیغ بر کف دشـمنان هر سو زبیمش در فرارانقلاـب افتـاد در قلب سـپاه کوفیان چون نمایان شـد حسین بن علی با ذوالفقارفاش می گویم حسین در کربلا غوغا نمود چون علی در جنگ خندق گشت فتحش ماندگارتا قیامت پرچم سـرخش بود در اهتزاز تا ابد این نهضت خونین بماند یادگارخار چشم دشـمن آزادی و آزادگی شد یزید بی حیا از این عمل تا حشـر خوارآفرین بر همّت دخت علی آن شـیر زن مرحبا بر خطبه بی مثل او در روزگاررفت در شام به افشای سـتم لب بر گشود زان سخن زد لرزه بر قلب یزید نابکارحجت حق حضرت سجّاد با تیغ سخن پایه تخت ستم را کرد سست بی قرارسید سجـاد بـا آن خطبه هـای آتشـین کرد رسوا دشـمنان حیـدر والا تباریا حسـین گویان همه افراد آن مجلس شدنـد شام شـد از یا حسین شامیان در انفجارنام زیبای حسین شد بر زبانها تا ابد تا برون آید امام منتقم از انتظاریا

حسـین گوئیم در سالی که شد سال حسـین سال ما امسال سال عزّت است و افتخار«ان الحسـین مصباح الهدی وسیفنه النجاه» با توجّه به مضامین این حدیث شریف امام حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است و از این چراغ هدایت باید در پیدا کردن راه از بی راهه های موجود در مسـیر سیر الی اللّه استفاده کرد.کربلا یک جنگ معمولی و زد و خورد قومی نبود بلکه یک مکتب بود که تا ابـد پوینـدگان راه حق و حقیقت بایـد آن مکتب و ابر مردان آن نهضت خونین را سـر مشق خود قرار دهند.کربلا پر بود از فضایل اخلاقی که بیان تئوری هر کدام از آن فضایل سالها تحصیل در کلاسهای استادان زبردست می طلبید ولی شهداء همیشه جاوید کربلا همه آن فضایل را یک روزه به نمایش گذاشـتند فضایل و مکارمی چون احیای سـنت شهادت توسط امام حسین و یاران باوفایش، اقامه امر به معروف و نهی از منکر به طور عملی،اقامه صلوه در ظهر عاشورا در گیراگیر جنگ، عفو و بخشـش امـام در طول زنـدگی مخصوصـاً در رابطه بـا جریان حر بن یزیـد ریاحی، با عزت و افتخار مردن و تن نـدادن به ذلت بیعت به شـخص پلیـدی چون یزیـد، وفـاداری و اوج آن در جریان تشـنگی قمر بنی هاشم و نخوردن آب توسط آن بزرگوار و دیگر شاهکارهای آن شـهید سـعید، حمایت از ولایت توسط تمام شـهدا مخصوصاً قمر بنی هاشم، صبر و استقامت توسط یک زن و گفتن جملاـتی که در هنگـام فرود مصـائب کـار بسـیار دشواریست، تیغ کلاـم و بیـان حقـایق هنگـام نیـاز، درسـی برای گناهکاران که از رحمت حق مأیوسند درسی برای سالمندان

که در اسلام بازنشستگی نیست بلکه از کارافتادگی هست، از جمله دروسی بود که در کربلا بطور عملی تدریس شد و اگر قیام امام حسین هر سال بهتر از سال پیش تازگی داردبدلیل این فضایل است که باعث زنده نگه داشته شدن جریان کربلا شده است.این فضایل باعث شده هر سال عده زیادی از شیعیان و غیر شیعیان در اقصی نقاط جهان محرم را زنده نگه دارند و بازنده نگه داشتن یاد و خاطره های محرم دین اسلام مصون بماند.بر ماست که علاوه بر عزاداری چون شاگردی ناچیز در خدمت استاد بزرگ کربلا حضرت امام حسین ودیگر اساتید بزرگوار چون قمر بنی هاشم و دیگر شهدا و... به خوشه چینی مشغول باشیم تا راه سعادت دنیوی واخروی خودمان را پیدا کنیم. وبدانیم که این فضایل مختص مکتب حسینی است.

مقدمه

قال رسول اللّه: ان الحسین مصباح الهدی وسفینه النجاه بر هر عزاداری لازم است علاوه بر عزاداری و ریزه خواری برسر سفره ابا عبداللّه الحسین به این حدیث توجه کند که پیامبر اسلام امام حسین را چراغ هدایت نامیده و کشتی نجات معرّفی نموده است.یعنی در مکتب حسینی درخشندگی هایی وجود دارد که با آن درخشندگی ها می توان به رهروی در زندگی و پیدا کردن راه از تاریکی ها و بیراهه های موجود ادامه داد.کربلا یک دانشگاه عظیم است که شاگردان آن نه تنها شیعیان آن زمان بلکه تمام شیعیان در طول تاریخ هستند.ونه تنها شیعیان در طول تاریخ بلکه تمام مسلمانان شاگردان آن مکتبند، اگر بخواهند به خیر دنیا و آخرت برسند، حتی غیر مسلمانان چون گاندی نیز قیامشان را سرمشق گرفته از شهدای کربلا می دانندو به وجود چنین شخصی در

طول تاریخ بشریت افتخار می کنند.درس گرفتن والگو قرار دادن هر یک از شهدای کربلا می تواند انسان را به سعادت دنیوی و اخروی برساند؛ فضایل و سجایای اخلاقی زیادی است که انسان در این مکتب به طور عملی و به دور از لقلقه زبان می بیند وهر کس متناسب با وضعیت خود می تواند ازشاهکاری الگو بگیرد.دانشگاه کربلا که مؤسس آن حسین بن علی(ع) است و اساتید آن تمام کسانی هستند که در این حماسه آفرینی نقش داشته اند و آن را جاوید کرده اند، دانش پژوه می طلبد و در رشته های مختلف فضایل اخلاقی متخصص می پروراند و فارغ التحصیلان این دانشگاه قطعاً از جمله کسانی هستند که در روز رستاخیز نامه عملشان به دست راستشان قرار دارد. وفائز شده از امتحان های دنیوی هستند.بیایید ما نیز از جمله دانشجویان ودانش پژوهان این مکتب باشیم و این مدال افتخار را به گردنمان آویزان کنیم و فریاد بزنیم: «ای جهانیان ما فارغ التحصیل از دانشگاه مکتب حسینی هستیم».در این جا دوازده شاهکار زیبا و ماندگار از اساتید بزرگ مکتب حسینی آورده شده که هر کدام به تنهایی اقیانوسی است بی کران اگر چه اینها قطره ای هستند از اقیانوس بی کران مکتب حسینی.

احیای سنت شهادت

امام(ع) در روز عاشورا در دفاع از حریم اسلام وقرآن جان خود و عزیزانش را سپرقرار داده و درسی را در تاریخ ضبط نمودند که نه تنها یزید بن معاویه بلکه تمام یزیدیان اعصار مختلف را به ستوه آورده و کاخ ظلم و ستم را لرزانده است.هنوز آتش حماسه خونین کربلا خاموش نشده بود که شخص نابینایی به نام عبداللّه بن عفیف با درس گرفتن از شهادت امام حسین(ع) مجلس عبیداللّه بن زیاد را

به هم ریخته و جانش را فدای مکتب امامش می کند.قیام هایی چون قیام توابین، قیام مردم مدینه به سرپرستی عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه وقیام مختار برگرفته از همین درس شهادت وایثار امام حسین(ع) بود که در پایان به شهادت رهبران آن قیام ها ختم شد، اگر چه در این میان دمار از روزگار وحشی صفتان کربلا چون شمر و ابن سعد و حرمله درآمد.حتی با استفاده از بیداری مردم و احیای سنت شهادت در بین آنان بود که فرصت طلبانی چون عبدالله بن زبیر و ابو العباس سفاح قیام کرده و بنی امیه را تارمار کردند و شاخه های این شجره خبیثه را در هم شکستند اگر چه خودشان نیز پا به چای پای همان دودمان ملعون گذاشتند.درسی که امام حسین(ع) در کربلا دادند در طول تاریخ شاگردانی تربیت کرد که با الهام از آن امام بزرگوار با خون خود درخت اسلام و مذهب تشیع را آبیاری کردند و حتی رهبران چون گاندی قیام خود را الهام گرفته از قیام خونین کربلا معرفی کردند واستبداد و استکبار زمان خود را از سرزمینشان بیرون کردند.امام خمینی نیز با سرمشق قرار دادن قیام امام حسین(ع) و تشریح و تبیین آن حماسه عظیم مردم را به پیروی از آن شهید سعید دعوت نموده و طومار ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم پیچیدند و با تربیت حسین فهمیده ها استکبار شرق و غرب را به زانونشاندند.ایثار و شهادت درسی است که تا زمین از لوث وجود ظالمان پاک نشده است ادامه دارد وهمین درس است که انشاء الله پرچم اسلام راستین را به رهبری حضرت مهدی روحی -ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء- بر فراز تمام

کاخ های مستکبران به اهتزاز درخواهد آورد.

امر به معروف و نهی از منکر

امر بـه معروف و نهی از منکر کـه از جمله فروع دیـن می باشـد و بر هر مسـلمانی مثـل نمـاز و روزه واجب بـوده و تـارک آن مسـتوجب عقاب اخروی می باشد خداوند در قرآن می فرماید:(ولتکن منکم امّه ٌیدعون الی الخیر ویأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون)و بایـد از بین شـما گروهی مردم را به کارهای نیک امر کرده و از کارهای زشت نهی کنند و آنان رسـتگارانند و درباره کسانی که نسـبت به این عمل واجب بی توجه هسـتد در احادیث آمده که حضرت رسول اللّه می فرماینـد: «اذا لم یـأمروا بـالمعروف ولم ینهوا عن المنکر و لم یتّبعوا الاخیار من اهل بیتی، سَـلَّط اللّه علیهم شـرارهم فیـدعوا عند ذلک خیارهم فلا یسـتجاب لهم».«هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهند و از خوبان اهل بیت من پیروی نکنند خداوند، بدان آنها را بر آنها مسلط می کند و در این زمان نیکانشان دعا می کنند و دعایشان مستجاب نمی شود.»بدیهی است ائمه اثنی عشـر معلّم قرآن و عامل به کتاب اللّه شـریف می باشـند و باید نسـبت به فرمان های خداوند بیش از هر کس دیگری رغبت نشان دهنـد. امر به معروف و نهی از منکر که از یک دیدگاه تمام خوبی ها وبدی ها در دایره آن است از اوامر خداوند تبارک و تعالی می باشد وامام حسین به عنوان معلّم و در جایگاه آموزنده قرآن به طور عملی این درس را از لا بلای کتاب ها بیرون آورده به صورت قیام علیه یزید مطرح نمودند فرمودند:«ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر واسیر سیره جدّی وابی ّ علی بن ابی طالب»می خواهم امر به معروف و نهی از

منکر انجام دهم و به سیر جدّم و پدرم علی بن ابی طالب عمل نمایم ایشان نشان دادند که برای اقامه معروف باید از جان گذشت و برای بازداشتن از منکر باید خود را سپر بلای قرآن قرار داد تا احکام و حدود الهی اقامه شودوکسانی که به هر نحوی و در هر مقامی مخالفت خداوند را می کنند نتوانند به راحتی به عمل زشت خودشان ادامه دهند.بی شک اگر تمام افرادی که خود را پیرو امام حسین(ع) می دانند به این درس سالار شهیدان کربلا عمل نمایند دیگر نه منکری می ماند ونه کسی می تواند بطور علنی بر خلاف فرموده خدا و رسول خدا عمل کند پس اسلام ناب محمّدی در سایه امر به معروف و نهی از منکر می تواند عملی شود که این درس بزرگ را حسین بن علی با خونش برای ما یادگار گذاشتند.

اقامه صلوه

جنگ تا ظهر طول کشید نیروهای امام سه روز تشنگی تحمل کرده بودند و باید به تنها چیزی که فکر می کردند آب باشد تا نفسی تازه کنند و به مقابله با دشمن بپردازند امّا امام(ع) تشنگی بسیار بزرگتری نیز داشت و آن تشنگی دیدار یار بود. همه چشمهای تماشاگران در ظهر عاشورا چه کسانی که حاضر بودند و چه کسانی که از دریچه تاریخ می نگرند به این خیره شده است که آیا کسی که تا بحال هیچ چیز نتوانسته بین او و معبودش فاصله بیندازد آیا گرمی جنگ یا ترس از دشمن یا فراق عزیزان می تواند بین او و معبودش جدایی افکند. امّا امام با امر به مؤذّن به این سؤال جواب داده و تمام قضاوت کننده گان در طول تاریخ با جواب امام، انگشت تحیّر به دندان گرفته

و از آن صحنه عجیب مات و مبهوتند.هنگام ظهر امام حسین(ع) به زهیر بن قین وسعید بن عبداللّه دستور داد با نصف کسانی که باقی مانده بودند مقابل اشان صف بکشند و امام(ع) با سایر اصحاب نماز خوف خواندند. وحتی سعید بن عبداللّه در این گیرودار به شهادت رسید.این درس بزرگی است که امام حسین(ع) به پیروانشان داده اند و عملاً ثابت کرده اند که نباید هیچ چیز مانعی بین خدا وانسان شود. ایشان نه تنها نماز خواندند بلکه اقامه صلوه کردند و با این عمل شریف به ما درس بزرگی دادند امّا متأسفانه چه چیزی مانع است از اینکه بعضی از شیعیان به این درس بی توجه هستد و نسب به نماز اهمیّتی قائل نیستند شب عاشورا تا دیر وقت عزاداری می کنند امّا همان شب در نماز جماعت شرکت نمی کنند و حتی بعضاً نماز صبحشان قضا می شود.امام با جمله «انی احب الصلوه» حتی شب عاشورا مهلت گرفتند که به راز و نیاز به پردازند و مناجات در درگاه خداوند متعال نمایند. یعنی ای عزاداران، ذاکران وسینه زنان حسینی بیشتر از هر چیزی به نماز اهمیّت دهید و حتی یک شب را غنیمت شمرید.ای کاش این درس بزرگ آویزه گوش تمام حسینیان می شد ومساجد پر می شد ازنمازگزارانی که با تأسی به سیّد ومولای شهیدشان سر بر خاک و تربت کربلا می گذارند و باهم به رکوع و سجود می روند و پس از نماز با گریه و عزاداری به امام حسین(ع) تعقیب نماز می نمایند.شهید عزیز رجائی با درس گرفتن از سرور و مولایش می فرماید به نماز نگوئید کار دارم بکار بگوئید نماز دارم شاید آن بزرگوار نیز از ناراحتی این حرف را زده

باشند چون شاهد بی توجهی بسیاری از شهروندان نسبت به نماز جماعت و مسجد بوده اند.

عفو و بخشش امام

بخشش از فضایلی است که اوج آن در کربلا دیده می شود و حضرت سیّد الشهداء با به نمایش گذاشتن آن عفو بزرگ آینه تمام نما عفو الهی در روز رستاخیز شد.آن هنگام که حر بن یزید ریاحی به فرمان عبیداللّه بن زیاد راه را بر امام بست و امام(ع) را از حرکت بازداشت امام(ع) به همراهانش دستور داد به لشگر تازه رسیده آب دهند:مرحمت بین که در آن وادی پرخوف ومحن می دهد آب حسین بن علی بر دشمن آن که شمشیر برویش بکشید، آبش داد آنکه گرید زغمش کی برد او را از یادو باز آن هنگام که حر از کرده زشت خود پشیمان شد و برای عرض پوزش به خدمت آن جناب رسید با برخورد ملاطفت آمیز و بی نظر آن امام همام مواجه شد که نه تنها حر بلکه تاریخ متحیّر شد.شاید تصوّر این بخشش برای امثال ما غیر ممکن و بعید باشد که شخصی انسان و تمام یاران او را به چنگال دژخیمان بد منشی چون شمر و سنان ابن انس و... تحویل دهد که با این تحویل هم شهادت و به خون غلطیدن عزیزان انسان و هم اسارت اهل بیت و ظلم و ستم بی مثل به آنان حتمی شود.سپس کار که از کار گذشت سر به زیر افکنده و از عملش پشیمان باشد و به محضر امام مشرف شود!امام(ع) در چنین شرایط فرمایش زیبایی دارند که تمام نا امیدان از رحمت و عفوالهی را امیدوار و بال رحمتش را بر سر گناهکاران باز کرده و در پناه آن اسیران هوا

وهوس ها را حر نموده و به بهشت برین رهنمون می شونـد.امام می فرمایـد: «انت الحر کما سـمّتک امّک وانت الحر فی الـدنیا والاـخره».«تو حرّی آزادی» کمـا این که مـادرت تو را حر نامیـده است و تو در دنیا و آخرت آزادی» این درس بزرگ اگر چه درسـی است برای گناه کاران که نا امید از رحمت حق نباشـند درسـی نیز هست برای کسانی که نسبت به آنان ظلم روا داشته شده است که بخشش از بزرگان است کما این که قرآن می فرماید:(وجزاء سیئه ٍسیئه مثلها فمن عفا و اصلح فاجره علی اللّه انّه لا یحب ُّالظالمین)و جزای هر بدی بدی مثل آن است پس کسـی عفو کند واصلاح کند اجرش با خداوند است و او ظالمان را دوست ندارد.وباز حضرت علی می فرماید«العفو؛ تاج المکارم» «بخشایش تاج فضایل است»بی شک اگر پیروان راستین مکتب حسـینی این درس بزرگ سـرورشان را جـامه عمـل بپوشاننـد و از یک دیگر درگذرنـد دژ محکمی در برابر دشـمنان مکتب و آئینشان می شونـد که هیـچ تند بادی نمی تواند آنها را کوچکترین تکانی دهد تا چه رسد این که در مقابل دشـمنان سـر فرود آورده تسلیم آنان شوند.

عزت و افتخار حسینی (هیهات من الذله)

یزیـد بن معاویه دو راه برای امام حسـین(ع) تعیین کرد که یکی از آنها را بالاجبار بایـد قبول می کردند: ۱ بیعت با شخص بی لیـاقتی مثل یزیـد سـگباز یعنی زنـدگی با ذلّت و خواری ۲ شـهادت و در خـون غلطیـدن و تـن نـدادن به این ذلّت یعنی مرگ شرافتمندانه و باعزت امام (ع) ضمن انتخاب راه دوم به انسانیت پیامی دادند که آنها را از اسارت و بردگی رها کند وشرافت و نام نیک از آنها به یادگار گذارد. ایشان در اینباره

فرمودند:«قد رکز بین اثنتین، بین السلّه و الذلّه هیهات منّا الذّلّه؛«یزید مرا در دو راهی قرار داده بین شمشیر و ذلت و هیهات که ما ذلّت را بپذیریم»ودر جای دیگر فرمودند:«لا واللّه لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و اقرّ اقرار العبید»«نه واللّه همانند خواران دست بسویشان دراز نمی کنم و همچون برده ها اقرارنخواهم کرد»درس مرگ با عزّت و افتخار درس بزرگی است که سالار شهیدان در کربلا به رشته تحریر در آورده و آن را به طور عملی اجرا کردند و در خون غلطیدن را بهتر از زندگی دانستند که با خواری و ذلّت باشد.هنوز پس از چهارده قرن سالی را به نام عزّت و افتخار حسینی نام می نهند به چون هر کس که در این درس بزرگ، شاگردی این مکتب را کند، هم می تواند به این شاگردی افتخار کند و هم افتخاری می شود برای تشیّع که ای سردمداران زروزور، شیعه تن به ذلّت نمی دهد ولو این که از دم تیغ بگذرد.شیعه دست پرورده ابر مردی است که می توانست با بیعت کردن با یزید به تمام دنیا برسد ولی قبول نکرده و نبودن در این دنیا را بهتر از بودن در یوق یزید دانست.این درس بزرگ است که باعث شده ژنرال یهودی و پس از چهارده قرن بگوید علّت شکست تمام عملیات ما در مقابل شیعیان این است که شیعه در پشت سر رهبری چون حسین بن علی(ع) ودر پیش رو قائم آل محمد را دارد.نام گذاری امسال به سال عزّت افتخار حسینی بیانگر این موضوع است که ای شاگردان مکتب ثاراللّه اگر می خواهید عزّت و افتخار یابید راهی نیست جز راهی که امام حسین پیمود وآن زندگی نکردن با ذلّت

بود. انشاء اللّه تمام پیروان مکتب حسینی نسبت به این درس زیبا بیدار باشند و آماده تأسی از بنیانگذار این مکتب (حضرت سیدالشهداء)در مقابل دشمنان قسم خورده این نهضت باشند.

وفاداری

صدق و صفا و مهر و وفا به اوج خود رسید آن هنگامی که سقّای تشنه ای پای درآب نهاد و مشک را پر آب کرد و مشتی نیز پر کرده و به نزدیک دهان آورد ولی آن را به آب برگرداند.سقای تشنه گان کربلا گناهش را نابخشودنی دید که آب نوشد و اطفال برادر تشنه باشند. آب نوشد سرور و آقایش منتظر و چشم براه برادر باشد.علمدار کربلا آب را بروی آب ریخت و بر مرکب سوار و عازم خیمه شد امّادیوصفتان ایشان را احاطه نمودند ومشک او را سوراخ کردند و امیدش را نا امید!حضرت عباس(ع) با این شاهکار ماندگار به همگان آموخت وفا یعنی چه و اگرسالیان سال علماء اخلاق در کلاسهای درس تدریس وفا می کردند نمی توانستند اینگونه به آموزندگان رسم وفا آموزند.وقتی که علم حضرت عباس(ع) را به دربار یزید پست بردند. یزید دید آن پرچشم بر اثر ضربات جای سالم ندارد سؤال کرد: چه کسی آن را حمل می کرده است؟ جواب دادند: عباس بن علی(ع) یزید گفت: «هکذا یکون وفاء الاخ لاخیه».این گفته یزید حاکی از آن است که حتی دشمن خونی و کینه توز حضرت عباس نیز از این وفاداری در شگفت است همان گونه که معاویه از فضایل حضرت علی(ع) در شگفت بود وبارها این تعجب خود را اظهار کرده بود.دانش پژوهان مکتب حسینی باید درسهای، وفاداری، جانثاری، شجاعت،شهامت، رشادت وحمایت از ولایت را از استاد بزرگ اخلاق قمر بنی هاشم بیاموزندوچنین بزرگواری

را الگو خود قرار دهند. حال به درس زیبای دیگر از حضرت عباس(ع) درکربلا توجه کنید که چگونه از ولایت و امامت زمان خود تا پای جان ایستاد و جان عزیزش را فدای از جان عزیزترش کرد.

حمایت از ولایت

در درس پیش اشاره به وفاداری باب الحوائج حضرت عباس(ع) شد. حال جای این سؤال است که این همه وفاداری و ایثار فقط بخاطر برادری حضرت عباس(ع) با امام حسین(ع) بود یا رشته محکم تر دیگری باعث این علقه و محبت شدید شده بود.آیا محمد بن حنفیه نیز که برادر پدری حضرت عباس(ع) بود این رشته محکم را با حضرت عباس(ع) داشت وآیا اگر خدای نکرده مثلاً شخص ستمکاری برادر حضرت عباس بود باز حضرت عباس(ع) اینگونه جانفشانی و حماسه آفرینی می کرد یا خیر؟جواب این سؤال مشخص است که علقه بالاتر از برادری بین امام حسین(ع)و حضرت عباس بود و آن رابطه ولایت بود و قطعاً اگر این ولیّ ّغیر از برادر بود نیز حضرت عباس از این جانفشانی کوتاهی نمی کرد، کما اینکه شهدای دیگر چون حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه و... رابطه برادری با امام ومولایشان نداشتند ولی در جان افشانی مضایقه نکردند.پس آنچه باعث شد حضرت عباس(ع) با همه توان از برادرش حمایت کند بیشتراین بود که برادرش نه تنها برادرش بود بلکه امام و پیشوایش بود واین شهید بزرگوار درحمایت از ولایت چون قمری در تاریخ می درخشد و به دیگران ظلمت را چون روز روشن می کند.شاهد بر این گفته اشعاریست که بصورت رجز از وجود حضرت عباس(ع) نقل شده است ایشان در حین جهاد شمشیر می زدند و با افتخار می خواندند:واللّه ان قطعتموا یمینی انی احامی ابداً ان دینی وعن امام

الصادق الیقینی نجل النبی الطاهر الامینی ترجمه:واللّه اگر دست راست مرا قطع کنیـدهمانا من از دینم تا ابـد حمایت می کنم و از امام راسـتگوی یقینیم که از اولاد پیامبر پاک امین است از این ابیات مشـخص می شود که حضـرت عباس(ع) در حمایت از ولا-یت چنین اسـتواری ومقـاومت نشان داده است نه تنها برادری. واین درس بزرگی است به جوانان و کسانی که به هر نحوی می تواننـد از ولایت زمان خودشان حمایت کنند.وحضـرت عباس(ع) را در این درس اسـتاد و الگوی خود قرار دهند، تا اینکه ولی اللّه الا-عظم آقـا امـام زمان(عـج) ظهور بفرماینـد و با حمایت این الگو گرفتگان بساط ظلم وسـتم را برچیننـد و به پرونـده جنایت کاران خاتمه دهند. انشاء اللّه

صبر و استقامت

شایـد باور کردنی نباشـد که یک زن داغ دو فرزنـد و ۶ برادر وبرادرزاده هـا وعموزاده های زیادی را دیـده باشـد و چون کوه اسـتوار باشـد وخم به ابرو نیاورده باشد.شایـد باور کردنی نباشـد که یک زن مصـیبت زده چون طوفان در تلاطم و چون پتک کوبنده سـخن گوید و پایه های کاخ ظلم و سـتم را بلرزاند و با طوفان سـخن کاخ و کاخ نشـینش را سرگون سازد آری زینب (س) پس از کشـیدن آن همه مصـائب در کوفه و شام ابن زیاد و یزیـد را رسوا کرد و چنان عرصه را بر آنان تنگ کرد که هر کدام این گناه بزرگ را به گردن دیگری انداختند.مقاتل نوشته اند هر پیکری را که حسین(ع) به خیمه ها آورد خواهرش فوراً خودش را به ایشان می رساند تا مبادا بار مصیبت را برادر بزرگوارش تنها تحمل کند و بازویی بودبرای برادرش، امّا آن هنگام که پیکر پرپر شده عزیزانش را به خیمه آوردند چادر خیمه راپایین کشید و داخل

خیمه ماند، بعضی ها علّت را آن دانسته اند که حضرت زینب نمی خواسته از اجر مصیبت فرزندانش کاسته شود لذا داخل خیمه ها مانده و بعضی بر این هستند که حضرت نمی خواسته صورتش به صورت برادر بیفتد مبادا برادرش خجالت بکشد و بهرحال کار بزرگی برای یک مادر که چنین در مصیبت فرزندانش صبر کند.در، دربار ابن زیاد هنگامیکه آن ملعون با کوهی غرور گفت دیدی خداوند با برادرت چه کرد و شما را خوار و ذلیل کرد، حضرت با جوابش آب سردی به صورت ابن زیاد پاشیدکه از آن کوه غرور جز سرافکندگی چیزی باقی نماند.زینب (س) در جواب ابن زیاد، علی وار فرمودند:«ما رأیت الاّ جمیلاً؛ بجز زیبائی ندیده ام»وچه زیباست، زیبا دیدن حضرت زینب که اگر تمام اساتید اخلاق جمع می شدند جمله ای به زیبایی این جمله نمی توانستند بر زبان جاری کنند بسیاری از سجایای اخلاقی را در جمله ای بیان نمایند.حضرت در این جمله علاوه بر درس زیبا و بزرگ صبر، درسهای راضی بودن به قضای خداوند و تسلیم به امر حضرت باری تعالی را با بیان بسیار رسایی تدریس نمودند.صبر درسی است بزرگ که اگر زنان و مردان شیفته مکتب امام حسین(ع) آن را ازاین مکتب بیاموزند در دنیا و آخرت رستگار خواهند شد.دانش پژوهان این مکتب هم صبر بر مصیبت ها می کنند واجر اکمل شامل حالشان می شود وهم صبر برگناه نکردن وانجام واجبات می کنند واجر اخروی زیادی نصیبشان می شود و از تحمل آتش جهنم که هیچ صبری نمی تواند در مقابل آن ایستادگی کند در امان هستند.وباز پویندگان مکتب حسینی با صبر در فراق مولایشان حضرت مهدی ایمانشان محکم تر و محبتشان به مولایشان هر چه بیشتر می شود و آماده بر ظهور قطب عالم امکان می شوند.

تیغ کلام

در درس پیش اشاره ای به سخنرانی حضرت زینب در دربار ابن زیاد و یزید پلید شد حال درباره آن سخنرانی و پیامدهای آن همچنین خطبه های امام زین العابدین در کوفه و شام اشاره می شود.معاویه در طول بیش از نیم قرن چنان مردم شام را خام کرده بود که فکر می کردنداسلام یعنی معاویه و معاویه یعنی اسلام و لا غیر وچنان حضرت علی(ع) را ترور شخصیت کرده بود که هنگامی که در محراب به شهادت رسیدند مردم شام گفتند: مگر علی نماز می خوانده است.خطبه حضرت زین العابدین و حضرت زینب در شام باعث شد آنچه دودمان ابوسفیان در بیش از نیم قرن بافته بودند پنبه شد و مشت خالی آنان باز شد تا آن اندازه که مسجدی که هر روز یزید در آن امامت می کرد و مأمومین زیادی به او اقتدا می کردند بلافاصله بعد از خطبه امام سجاد با تعداد کمی از درباریان نماز بر پا شد و یزید کاملاً روسیاه و سر افکنده شد.امام سجاد که به علت بیماری مصلحتی در کربلا به شهادت نرسیده بود به عنوان پیام رسان کربلا به جای شمشیر آهنی تیغ کلام از نیام بیرون کشید و چنان ابوسفیانان را تار و مار کرد که انتقام مظلومیت پدر و جدش علی بن ابی طالب را نیز از دودمان کثیف بنی امیه گرفت.تا جایی که یزیدی که به خاطر این عمل به ابن زیاد هدایای زیادی به عنوان تشکر داده بود بلافاصله تغییر موضع داده و گفت:«ای کاش سختی های زیادی را تحمل می کردم و حسین را به خانه خودم می آوردم و به دلیل پیامبر اسلام و احترام ایشان و نزدیکی حسین با پیامبر اختیار

را به او می دادم... خدا پسر مرجانه را لعنت کند»این است تیغ کلام که به ما می آموزد وقت سخن نترسیم و حق را بگوییم اگر چه به ظاهر به ضرر و زیانمان تمام شود شاعر می گوید:وقت سخن مترس بگو آنچه گفتنیست شمشیر روز معرکه زشت است در نیام

پیروزی خون بر شمشیر

خون امام حسین (ع) و اصحاب عزیزش فتحی بزرگ بر اسلام و مخصوصاً تشیع شد. اگر چه در درس تیغ کلام گفته شد که سخنرانی حضرت سجاد باعث نابودی یزیدیان شد ولی آن خطبه های آتشین نیز با بیان مظلومیت امام حسین و ریختن خون آن بزرگوار به ناحق بود که توانست ثمر بخش باشد.خون امام حسین (ع) و افشاگری های حضرت سجاد و حضرت زینب باعث بیداری مردم و زمینه برای قیام هایی علیه بنی امیه و در پایان، باعث انقراض آن شجره خبیثه شد که در بحث احیای سنت شهادت مطرح شد:بر پرچم سیاه پس از سالها هنوز نام حسین با خط خوانا نوشته اندو شاعر دیگر نیز چه زیبا سروده که است:پرچم صحن طلا دارد حسین نیک نام شمر بی نام و نشان در گنبد قمّار شدامام حسین (ع) به مظلومان عالم آموخت که اگر توان نظامی شما در برابر دشمن ناچیز است اما شما مسلح به سلاحی هستید که هیچ بوسیله دفاعی از دشمن نمی تواند جلو آن را بگیرد و آن سلاح بزرگ خون است که در عاشورای ۶۱ هجری ثابت شد این سلاح بر شمشیر پیروز است.مظلومان عالم باید بدانند که با خونشان می توانند دشمن تا بن دندان مسلح را به زانو در آورند به شرطی که از سلاح خون استفاده کنند.

درسی برای گناهکاران (توبه)

در بحث عفو و بخشش امام از یک دیدگاه عظمت و بزرگی بخشش امام بیان شدکه ما نیز باید از آن عفو و بخشش درس گیریم اکنون از دیدگاه دیگری به داستان حر شهید و بخشش امام می نگریم و آن توبه و بازگشت حر است.حر که از دست پرورده های مکتب حسینی

است به ما آموخت که نباید از رحمت الهی مأیوس باشیم ولو اینکه گناهی به بزرگی به دام انداختن اهل بیت عصمت و طهارت کرده باشیم.خداوند در قرآن می فرماید:(قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله ان اللّه یغفرالذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم)«بگو ای بندگانی که اسراف بر خودتان کرده اید از رحمت خدا مأیوس نشوید که همانا خداوند تمام گناهان را می بخشد و او بخشنده و مهربان است».در همین خصوص، راستا حدیثی از پیامبر(ص) به نقل از جابر ابن عبد الله انصاری آمده که می گوید:«قال جائت امرأه الی النبی(ص) فقالت یا نبی الله ان امرأه قتلت ولدها بیدها هل لها من توبه فقال لها: والذی نفس محمد بیده لو انها قتلت سبعین نبیاً تابت و ندمت و یعرف الله من قبلها انها لا ترجع الی المعصیه ابداً لقبل الله توبتها وعفی فان باب التوبه مفتوح ما بین المشرق و المغرب و ان التائت من الذنب کمن لا ذنب له؛.جابر گفته است: زنی خدمت رسول خدا (ص) آمد، عرض کرد، زنی بچه خودش را به دست خودش به قتل رسانده آیا توبه دارد؟ فرمود(پیامبر): قسم به آن خدایی که جان محمد در دست اوست اگر آن زن هفتاد پیامبر را بقتل رسانده باشد و پشیمان شود و توبه کند، و خداوند راستی گفته اش را بداند که دیگر به گناهی رجوع نمی کند توبه اش را قبول می فرماید و از گناهش عفو می کند و همانا توبه کننده مثل کسی است که اصلاً گناه نکرده است».اگر توبه حر و بخشش امام حسین (ع) نبود شاید باور این آیه و حدیث از اعماق دل برای بسیاری لا اقل سخت بود ولی

حر در کربلا ـ به تمام گناه کاران عالم آموخت که اگر انسان اراده کند که برگردد و در تصمیمش راسخ باشد راه باز است.البته گناه کاری که حق الناس بدهکار است چه حق الناس عرضی (غیبت کسی راکرده) چه مالی (به کسی بدهکار است) و چه حق الناس جانی (به کسی لطمه جانی زده است) باید حقوق خود را ادا کرده سپس توبه کند، و یا اگر گناهش طوری است که قابل جبران است مثل ترک نماز و روزه و خمس و زکات باید قضای آن را به جای آورده و سپس توبه نماید. لذا بعضی از گناهان است که توبه آن فقط استغفر الله نیست و نیاز به مقدّمات دیگری دارد.ای کاش تمام گناه کاران زانو تلمّذ خدمت استاد بزرگ کربلا یعنی حر شهید به زمین می زدند و به یکباره منقلب می شدند و دریای توبه آنان را از تمام آلودگی ها پاک می کرد و به سعادت اخروی می رساند. آری حر ره صد ساله را یک شبه پیمود و به همگان آموخت که ای گناهکاران درهای رحمت خدا به سوی بندگان باز است خلاق بی نیازبنده نواز.آری، حر در دانشگاه کربلا درس اخلاقی توبه را به صورت عملی تدریس کرد و شک شبهه را از تمام دیر باوران گرفت و ضربه مهلک تا ابد بر شیطان رجیم وارد کرد که تمام زحمت های آن ملعون به باد رود.

درسی برای سالمندان

یکی از شهدای کربلا حبیب بن مظاهر پیرمرد ۹۳ ساله بود. حبیب از جمله کسانی بود که به امام حسین(ع) نامه نوشته بود و همچنین از جمله کسانی بود که با مسلم بن عقیل بیعت کرده بود و سرانجام برای وفای به عهد خود در کربلا

خدمت امام حسین (ع) رسید.حبیب با این حرکتش این نکته را آموخت که حمایت از دین سن و سال نمی شناسند، و آنچه در این زمینه مهم است توان است نه سن و سال.بر خلاف تصور اشتباه امروزی در مکتب، ما چیزی به نام باز نشستگی نیست و آنچه مورد تأیید دین ماست از کار افتادگی است. ممکن است انسان سی ساله ای از کاربیفتد و ممکن است انسان ۹۰ ساله ای توانایی کار کردن داشته باشد، ولی متأسفانه به بهانه بازنشستگی بسیار کسانی که توانایی انجام کار دارند از حقوق و مزایای از کارافتادگان استفاده می کنند.و باز در زمینه علم و دانش در اسلام فارغ التحصیلی معنا ندارد مگر نه آن که پیامبر (ص) فرموده اند:«اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»«ز گهواره تا گور دانش بجوی»ولی متأسفانه گرفتن مدرک و فارغ التحصیلی در جامعه اسلامی ما ریشه دوانده و توانایی در زمینه های مختلف به باد فراموشی سپرده شده است.حبیب بن مظاهر پیرمردی که روحیه ای چون جوانان داشت با شجاعت تمام به میدان رفته و جان عزیزش را نثار امام و مکتبش نمود و به آیندگان آموخت که حمایت از دین به کهولت سن ربطی ندارد و هر کس در هر سنی که توانایی دارد باید به اندازه توانایی خود از دین و آئینش حمایت نماید.

نتیجه

آنچه قیام امام حسین (ع) را تاکنون زنده نگه داشته علل زیادی و یکی از آن علل برپائی عزاداری و گریه و مرثیه سرایی برای امام حسین (ع) است. و شاید مهمترین علل همین باشد که امام خمینی فرمودند «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است».برپائی مراسم به

شکل سنتی که در پایان منا بر مرثیه حضرت ابا عبدالله خوانده می شده علاوه بر مرثیه خوانی به چگونگی قیام علل آن، اهداف امام حسین (ع) از این قیام و نکات اخلاقی آموزنده در حین قیام نیز اشاره می شده که باعث محکم شدن پایه های دین و مکتب حسینی بوده است.متأسفانه در بعضی از مجالس مرثیه خوانی امروزی از این مسائل مورد نیاز گفته نمی شود که هیچ، مرثیه ها نیز بعضاً بی محتوی و دروغ شده و آنچه در این گونه مجالس ملاک است صدای خوب مداح و سرصدای بی روح بعضی از مستمعین است.چه شد که مجالس عبرت گیری و پند آموزی مکتب حسینی به چنین جلسات بی روحی تبدیل شده است و آن درسهای اخلاقی علماء که مصداق بارز: «سخن کز دل بر آید لا جرم بر دل نشیند» بود جای خود را به هیاهو و استفاده عده ای فرصت طلب داده است.عزاداران حضرت سید الشهداء باید ضمن عزاداری هر چه با شکوهتر و گریه هرچه جانسوزتر به محتوای قیام نیز توجه داشته باشند و کربلا یک مکتب انسان سازیست را با یک درگیری قومی اشتباه نگیرند.کمالات انسانی و سجایای اخلاقی که در اقیانوس بی کران مکتب حسینی وجود دارد برای استفاده و درس گرفتن انسانها می باشد، پس جای بسی تأسف است کسانی فقط عزاداری و مرثیه خوانی کنند ولی هیچ درسی از این دانشگاه بزرگ نیاموزند. بقول بزرگواری که می فرمود: «بعضی ها در این مجالس یک تانکر چای می خورد ولی یک ته استکان معرفت جمع نمی کنند».در پایان از خداوند مسئلت می جویم که از این درس ها اگر چه قطره ای است از آن اقیانوس پر تلاطم قطره ای نیز

خودم بنوشم که قطعاً کامیابی در هر دو سرا با این قطره میسر است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹